

نوع مقاله: پژوهشی

مقایسه تطبیقی جرم زنا در متون فقهی امامیه و کتب مقدس یهود

minaisvand73@gmail.com

a.rabbani110@yahoo.com

مینا عیسوند / کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد اسلامشهر
 سیدعلی ربانی موسویان / استادیار گروه فقه و حقوق دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز
 دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۲۵ - پذیرش: ۱۴۰۱/۰۳/۰۳

چکیده

جرم زنا در کتب مقدس یهودیان و قرآن کریم و کتب روایی و فقهی مذهب امامیه از گناهان کبیره به‌شمار آمده و دارای مجازات‌های سنگینی است. پژوهش حاضر به روش توصیفی - تحلیلی به بررسی تطبیقی نقاط اشتراک و افتراق جرم زنا در میان منابع دو مذهب مذکور با رویکرد حقوقی پرداخته است. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که در شریعت یهود، زنا یکی از جرایم علیه عفت عمومی است و اقسام گوناگونی همچون زنا با محارم، به‌عنف، محصنه و با دختر باکره دارد. در فقه امامیه نیز همین تقسیم‌بندی به استثنای مورد اخیر به چشم می‌خورد. در حقوق کیفری یهود زنا مجازات‌های شدیدی مانند رجم، سوزاندن در آتش و خفه کردن را به دنبال می‌آورد و با شهادت شهود و قانون «سوءظن» ثابت می‌شود و در مذهب امامیه این جرم، مجازات‌هایی مانند قتل، رجم و جلد دارد و راه‌های اثبات آن اقرار، بینه و علم قاضی است. براساس نتایج این پژوهش دین اسلام - به‌طور عام - و مذهب امامیه - به‌طور خاص - برخی از عوارض افراطی یا تفریطی احکام یهود را ندارد، بلکه در رابطه با مجازات و جرم زنا، رویکردی متناسب‌تر و معتدل‌تری برگزیده است.

کلیدواژه‌ها: اقسام زنا، راه‌های اثبات زنا، مجازات‌های زنا، حقوق کیفری یهود، فقه امامیه.

یکی از مشهورترین رفتارهای جرم‌انگاری شده در دو شریعت اسلام و یهود، فعل زنا است. این نوشتار به مقایسه ابعاد گوناگون حقوقی این جرم در متون یهود و اسلام با تکیه بر فقه امامیه پرداخته است. سؤال این است که چه میزان مشابهت و اختلاف میان احکام این دو شریعت بزرگ آسمانی در خصوص این بزه جنسی وجود دارد؟ و احکام کدام یک در مقایسه با دیگری منطقی‌تر و معقول‌تر است؟

یکی از اهداف اصلی این بررسی دفع اتهام واهی عدم رعایت حقوق بشر از احکام اسلامی و خشونت‌آمیز بودن قوانین جزایی اسلام و تبیین چهره معتدل آن نسبت به سایر شرایع است. برای مقایسه به متون اصلی این دو مذهب مراجعه شده است. منبع اولیه دین یهود عهد عتیق است که خود به سه فصل «تورات» (اسفار پنجگانه)، «نبوئیم» (پیامبران) و «کتوبیم» (صحیفه‌ها) تقسیم می‌شود. اما اصول کلی و مبنای شریعت حضرت موسی علیه السلام «ده فرمان» است که در اسفار پنجگانه تورات یعنی سفر «پیدایش»، «خروج»، «لاویان»، «اعداد»، «تثنیه» آورده شده است. علاوه بر عهد عتیق یا همان شریعت مکتوب، یهودیان به منبع دیگری نیز در خصوص قوانین و مقررات شریعت خود اعتقاد دارند و مانند تورات به محتوای آن پایبند هستند. شریعت شفاهی یا همان «تلمود» - در واقع - شرح و توضیح عالمان یهودی بر تورات است که در طول سالیان متمادی جمع‌آوری شده است. اما منابع اصیل شریعت اسلام از دیدگاه شیعه، قرآن و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام است.

درباره جرم زنا تاکنون تحقیق مستقلی به صورت تطبیقی میان متون امامیه و یهود صورت نگرفته و تنها در برخی از نوشته‌ها به صورت ضمنی در میان سایر جرایم، این جرم نیز به صورت کلی بررسی شده است.

برای نمونه، مقاله «مقایسه تطبیقی مجازات در متون یهود و اسلام» (غفوری‌نژاد و رسولخانی شهنایی، ۱۳۸۸)، جرم زنا را در کنار دو جرم قتل و سرقت به اجمال بررسی کرده‌اند. در بررسی آیین یهود، تنها اقسام زنا را به تفصیل و البته با استقرای ناقص آورده‌اند و در قسمت آیین اسلام به سبب حرمت، به راه‌های اثبات و اقسام حد زنا اشاره نموده و در نهایت نتیجه‌گیری کرده‌اند که در متون یهود زنا دارای شدیدترین مجازات است که از جمله آنها سوزاندن در آتش است، ولی در اسلام مجازات سوزاندن جایگاهی ندارد و برای حفظ آبروی مسلمان شرایط سختی (نسبت به یهود) برای اثبات این جرم قرار داده شده است.

این نوشتار ابتدا تعریف بزه «زنا» و اقسام آن را در دو مکتب مزبور تبیین کرده و سپس راه‌های اثبات، انواع مجازات و شرایط آن بررسی نموده است.

تعریف «زنا» در فقه امامیه

قرآن کریم تنها در یکجا مجازات مرد و زن زناکار را با هم ذکر نموده و این مجازات^۱ کیفر نهایی اعلام شده از سوی این کتاب آسمانی در خصوص جرم زناست: «الزَّانِيَةُ وَالزَّانِي فَاجْلِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا مِائَةَ جَلْدَةٍ وَ لَا تَأْخُذْكُمْ بِهِمَا رَأْفَةٌ فِي دِينِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَ يُشْهِدُ عَذَابُهُمَا طَائِفَةٌ مِّنَ الْمُؤْمِنِينَ» (نور: ۲)؛ مرد و زن زناکار

را هر کدام یکصد تازیانه بر تشنان بنوازد و در مجازات آنها که امر دین خداست، ترجم روا مدارید، اگر به خدا و روز قیامت ایمان دارید و باید گروهی از شما بر اجرای مجازات حاضر باشند.

این آیه تنها متضمن بیان حکم جلد است، اما حکم رجم در قرآن ذکر نشده و در سنت مذکور است و اختصاص به محسن دارد. بنابراین، امیرمؤمنان علی علیه السلام سراج را در روز پنجشنبه تازیانه زدند و در روز جمعه رجم کردند و آنگاه فرمودند: «براساس کتاب خدا تازیانه‌اش زدم و براساس سنت رسول خدا صلی الله علیه و آله سنگسارش کردم» (سیوری، ۱۳۸۴ق، ج ۲، ص ۳۴۱).

در خصوص کیفیت جلد، این آیه می‌فرماید: نباید رأفتی در دین خدا به خرج داده شود. گفته‌اند: این عبارت آیه دلالت دارد بر اینکه ضربات تازیانه در مجازات زنا باید به شدت نواخته شود و چیزی از تعداد آن کم نشود و شفاعتی در اسقاط آن پذیرفته نگردد. در حدیث نبوی است که (روز قیامت) حاکمی را می‌آورند که یک عدد از ضربات حد کم نموده است. (وقتی خدا از علت این کارش سؤال می‌کند) می‌گوید: به خاطر ترجم به بندگان تو. خدای متعال پاسخ می‌دهد: آیا تو از من نسبت به بندگانم مهربان‌تر بودی؟ و امر می‌شود وی را به سوی آتش ببرند. حاکم دیگری را می‌آورند که یک عدد بر تعداد حد افزوده است. (وقتی از علت کار او سؤال می‌کند) می‌گوید: برای اینکه از معصیت تو باز ایستند. پس درباره وی هم (که خود را داناتر از خدا دیده) امر می‌شود که به سوی آتش برده شود (همان، ج ۲، ص ۳۴۲).

شهید ثانی در تعریف «زنا» می‌نویسد: «زنا دخول آلت مذکر بالغ و عاقل در فرج زن است، بلکه مطلق زنان حرام بر او، بدون عقد نکاح یا ملک یمین یا شبهه حلیت آن بر او، چه از پشت یا جلو، به قدر حشفه» (جبعی عاملی، ۱۴۱۰ق، ج ۹، ص ۱۴).

محقق حلی نیز تعریفی به همین مضمون از «زنا» ارائه داده است (محقق حلی، ۱۴۰۸ق، ج ۴، ص ۱۴۹).
قانون مجازات اسلامی نیز به تبعیت از فقه امامیه مقرر داشته: «زنا عبارت است از: جماع مرد با زنی که بر او ذاتاً حرام است، گرچه در ذُبر باشد، در غیر موارد وطی به شبهه» (قانون مجازات اسلامی، ماده ۶۳).

زنا در یهودیت

در **قاموس کتاب مقدس** درباره زنا آمده است: «گاه ممنوع که در فرمان هفتم احکام عشره وارد گشته است همواره در مواقع شرایع الهی و قواعد انسانی مستوجب قصاص سخت بوده و هست» (هاکس، ۱۳۷۷، ص ۴۴۹).

از دیدگاه تورات وجود رابطه نامشروع و اعمال خلاف عفت ممنوع است (حسین‌زاده، ۱۳۸۳، ص ۱۸۹) و خداوند بنی‌اسرائیل (یهوه) همواره زنان و مردان را از زنا نهی و به آنان سفارش کرده است:

قتل مکن. زنا مکن. دزدی مکن. بر همسایه خود شهادت دروغ مده. به خانه همسایه خود طمع مورز. به زن همسایه‌ات و غلامش و کنیزش و گاوش و الاغش و به هیچ چیزی که از آن همسایه تو باشد طمع مکن (خروج، ۲۰: ۱۳-۱۷).

او ازدواج با زناکار را جایز نمی‌داند و فرموده است: «زن زانیه یا بی‌عصمت را نکاح نمایند» (لاویان، ۲۱: ۷). در کتاب مقدس، زنا کردن معادل با سوختن و آتش زدن خانواده معرفی گردیده (جلیلی، ۱۳۸۴، ص ۹۸) و در کتاب «حزقیال نبی» نسبت به این جرم به شدت موضع‌گیری شده است (حزقیال نبی، ۱۶: ۴۱ و ۱۸: ۲۱-۲۳).

طبقه‌بندی زنا در امامیه

۱. زنا با محارم

محارم^۱ خویشان نسبی نزدیکی هستند که ازدواج با آنان حرام است. ماده ۱۰۴۵ قانون مدنی محارم نسبی را چنین برشمرده است: «پدر، اجداد، مادر، جدات، اولاد هر قدر که پایین رود، برادر، خواهر، اولاد برادر و خواهر هر قدر که پایین تر رود، عمه، خاله، عمه و خاله پدر و مادر و اجداد و جدات».

۲. زنا با عنف

«زنا با عنف» به معنای آن است که زنی به عمل زنا راضی نباشد و مرد با زور و ارباب و تهدید با او زنا کند. همچنین هرگاه کسی با زنی که راضی به زنا با او نباشد در حال بیهوشی، خواب یا مستی زنا کند رفتار او در حکم زنا با عنف است. و در زنا از طریق اغفال و فریب دادن دختر نابالغ یا از طریق ربایش، تهدید و یا ترساندن زن اگرچه موجب تسلیم او شود نیز حکم زنا با عنف جاری است (قانون مجازات اسلامی، ماده ۲۲۴، تبصره ۲).

۳. زنا با محصنه

«احسان» در لغت به معنای منع و بازداشتن (ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۳، ص ۱۲۰) و ریشه آن «حصن» است که معنای اولی آن مستحکم و حصاردار است. سپس در هر تحفظ و نگاه داشتن به کار می‌رود. به کسی که خود را از بی‌عفتی حفظ کند «محصن» و به زنی که در اثر شوهردار بودن و یا عفت، خود را از بی‌عفتی نگاه دارد «محصنه» گویند، به صیغه فاعل از آن نظر که خود را از بی‌عفتی باز می‌دارد و به صیغه مفعول از آن نظر که از بی‌عفتی بازداشته شده است (قرشی، ۱۳۸۱، ج ۲، ص ۱۴۹).

به همین دلیل است که به زن «محصنه» می‌گویند؛ چون زوجش او را از مرتکب شدن فجور منع می‌کند و حفظ می‌نماید (ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۳، ص ۱۲۰) و «محصنه» می‌گویند؛ زیرا زن زوج خود را از مرتکب شدن فجور منع کرده، او را حفظ می‌کند (صاحب‌بن‌عباد، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۴۶۰).

واژه «احسان» ریشه قرآنی و روایی دارد و درباره زن و مرد - هر دو - به کار می‌رود. بنابراین به مردی که دارای شرایط احسان باشد «محصن» و به زنی که دارای این خصوصیات و شرایط باشد «محصنه» اطلاق می‌شود و به عمل زنایی که طرفین آن، یعنی زن و مرد یا - دست‌کم - یکی از آنان دارای شرایط احسان باشد «زنا با محصنه» گفته می‌شود (فتحی، ۱۳۹۳، ج ۱، ص ۲۲۲).

شرایط احسان

هشت شرط برای تحقق احسان لازم است، و آن زانی که دارای همه این شرایط باشد مرتکب زناى محصنه شده است:

۱. دخول موجب غسل کردن شده باشد. ۲. مرتکب^۵ بالغ باشد. ۳. عاقل باشد. ۴. آزاد باشد. ۵. از جلو نزدیکی کرده باشد. ۶. به عقد دائمی یا ملک یمین ازدواج کرده باشد. ۷. دسترسی به زن خود و تمتع بردن از او در آغاز و پایان روز (هر زمان که بخواهد) برایش ممکن باشد. ۸. به نزدیکی کردن زانی با همسرش، علم حاصل شود (جبعی عاملی، ۱۴۱۰ق، ج ۹، ص ۷۲-۷۸).

الف. شرایط احسان مرد

۱) زوجیت دائمی؛ بنابراین اگر مردی زوجه موقت داشته باشد یا اصلاً همسری نداشته باشد محصن محسوب نمی‌شود (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۱۴، ص ۲۷۰).

۲) جماع از طریق قُبُل (جلو): مرد علاوه بر داشتن همسر دائمی، از طریق قُبُل (جلو) با وی نزدیکی کرده باشد. نزدیکی می‌بایست به گونه‌ای انجام شده باشد که موجب غُسل شود. بنابراین عقد بستن تنها و صرف خلوت کردن با زن بدون نزدیکی و یا تفخیز (گذاشتن آلت بین ران‌ها) با زن و یا نزدیکی از طریق دُبُر (پشت) موجب احسان نخواهد شد. انزال منی شرط نیست، بلکه همین مقدار که دخول صورت گرفته باشد، حتی بدون انزال، احسان مرد محقق خواهد شد (جبعی عاملی، ۱۴۱۰ق، ج ۹، ص ۷۳).

۳) جماع در حال بلوغ؛ صاحب جواهر ذکر می‌کند: اگر شخص غیربالغ با همسر خود جماع کند و دخول نماید تا حدی که حشفه پنهان شود و سپس در حال بلوغ زنا کند، جماعی که قبل از بلوغ با همسر خود داشته موجب تحقق احسان نمی‌شود؛ زیرا در احسان شرط است که جماع بعد از بلوغ باشد - اگرچه زوجیت قبل و بعد از بلوغ مستمر باشد - اگر چنین فردی زنا کند زانی او به علت برائت و استصحاب، زناى محصنه نخواهد بود. (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۴۱، ص ۲۶۹).

۴) امکان نزدیکی با همسر در تمام اوقات؛ مرد بر تمتع جنسی در تمام اوقات صبح و شب تمکن داشته باشد. بنابراین اگر به علت فاصله طولانی بین زوجین یا مسافرت، حبس، بیماری زوجه و یا هر عذر موجه دیگری امکان نزدیکی برایش فراهم نباشد احسان محقق نمی‌شود، و در دوری مسافت، فرقی در این نیست که موجب شکسته شدن نماز بشود یا نشود (جبعی عاملی، ۱۴۱۰ق، ج ۹، ص ۱۶).

۵) نزدیکی و مقدار آن باید (برای قاضی) معلوم باشد. بنابراین اگر زوج منکر نزدیکی با زن به قدر ختنه‌گاه و در قُبُل شود تصدیق می‌گردد، بدون اینکه نیازی به سوگند یاد کردن باشد، اگرچه از آن زن فرزند داشته باشد؛ زیرا گاهی فرزند از ارسال منی به داخل رحم بدون اینکه نزدیکی صورت گرفته باشد، به وجود می‌آید.

ب. شرایط احسان زن

تمام شرایطی که در خصوص احسان مرد ذکر شد درباره احسان زن نیز مطرح می‌شود. بنابراین زن محصنه زنی است که دارای همسر دائمی بوده و بالغ باشد و درحالی که بالغ و عاقل بوده از طریق قُبُل با او جماع شده باشد و امکان جماع از طریق قُبُل را با شوهر داشته باشد (جبعی عاملی، ۱۴۱۰ق، ج ۹، ص ۷۹). اما اختلاف تنها در شرط «یغدو علیها و یروح» است، با این توضیح که برخی قایلند شرایط احسان مرد در زن نیز باید موجود باشد. بدین‌روی، اگر در تمام اوقات شوهرش کنار او نباشد زن از احسان خارج می‌گردد. این دیدگاه مطابق قوانین موضوعه ایران است و براساس آن شرایط احسان زن و مرد یکسان است (قانون مجازات اسلامی، ماده ۲۲۶).

اما برخی دیگر از فقهاء همچون صاحب جواهر شرط را استثنا دانسته، می‌گویند: نیازی به این شرط نیست، بلکه این شرط را باید به‌گونه‌ای تفسیر کنیم که امکان «یغدو و یروح» در زن، منظور امکان «یغدو و یروح» برای مرد است. توضیح آنکه هرگاه برای مرد در تمام اوقات امکان تمتع وجود داشته باشد زن نیز محصنه محسوب می‌شود، نه اینکه منظور این باشد که زن نیز هر وقت بخواهد بتواند از شوهر متمتع گردد؛ زیرا اصولاً زن چنین حقی ندارد (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۴۱، ص ۲۷۷).

طبقه‌بندی زنا در یهود

۱. زناى محصنه

«ده فرمان» رابطه جنسی عمدی بین یک زن شوهردار یا نامزددار با مردی بجز شوهرش را منع کرده و جرم شمرده است (خروج، ۱۴: ۲۰؛ تثنیه، ۱۸: ۵). در قسمت‌های دیگر تورات نیز چنین عملی منع شده است:

کسی که با زن دیگری زنا کند؛ یعنی هر که با زن همسایه خود زنا نماید، زانی و زانیه البته کشته شوند و کسی که با زن پدر خود بخوابد و عورت پدر خود را کشف نماید هر دو البته کشته شوند. خون ایشان بر خود ایشان است. و اگر کسی با عروس خود بخوابد هر دو ایشان البته کشته شوند... و کسی که با زن عموی خود بخوابد عورت عموی خود را کشف کرده است؛ متحمل گناه خود خواهند بود، بی‌کس خواهند بود. و کسی که زن برادر خود را بگیرد این نجاست است. عورت برادر خود را کشف کرده است؛ بی‌کس خواهند بود (لاویان، ۲۰: ۱۰-۲۱).

حقوق کیفری یهود در جرم زنا با زن شوهردار نیز مانند سایر جرایم، بین اعمال عمدی و غیرعمدی تفاوت قائل شده است. زن در صورتی مرتکب زنا شمرده می‌شود که مجبور نشده باشد. براساس تورات (تثنیه، ۲۳: ۲۲-۲۴) اگر دختری که نامزد مردی است، در شهری مورد تعرض قرار گیرد فرض بر رضایت اوست؛ زیرا وی می‌توانسته است با فریاد دیگران را خبر کند. بنابراین هر دوی ایشان کشته می‌شوند.

نکته مهم این است که تورات فقط در خصوص دختر نامزددار چنین تمایزی (فرض رضایت و یا عدم رضایت با توجه به مکان جرم) را قائل شده است، اما در خصوص زن شوهردار (تثنیه ۲۲: ۲۲) چنین تصریحی وجود ندارد.

مقصود از «احسان» در حقوق جزای یهود

معنای «احسان» باب زنا در حقوق کیفری یهود، با آنچه در شریعت اسلام و فقه امامیه مطرح شده، متفاوت است. در حقوق کیفری یهود، زنا در صورتی محصنه است که زن دارای شوهر باشد، اعم از اینکه زانی همسر داشته باشد یا نداشته باشد. از سوی دیگر، در صورتی که زانی همسر دار با زنی که شوهر ندارد نزدیکی نماید، عمل وی زنا محصنه محسوب نمی‌شود (دورانت، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۳۹۱).

نکته دیگر اینکه در حقوق کیفری یهود، زن نامزد دار - که ظاهراً مقصود از آن غیرمدخوله است - حکم زن شوهر دار مدخوله دارد (تثنیه، ۲۲: ۲۳)، در حالی که در حقوق جزای امامیه مجازات چنین زنی سبک‌تر از مجازات مدخوله است.

۲. زناى به عنف

«زناى به عنف» به معنای نزدیکی با یک زن برخلاف اراده اوست. در حقوق کیفری یهود، چند فرض درباره زناى به عنف بیان شده است:

اگر مردی دختری نامزد را در صحرا بیابد و به زور با او بخوابد، فقط آن مرد که با او خوابیده تنها کشته می‌شود، اما بر دختر هیچ حرجی نیست؛ زیرا دختر گناه مستلزم موت انجام نداده است، بلکه این مثل آن است که کسی بر همسایه خود برخاسته، او را بکشد. در اینجا نیز مرد او را در صحرا یافت و دختر نامزد فریاد برآورد، ولی برایش رهانده‌ای نبود (تثنیه، ۲۲: ۲۵-۲۸).

در اینجا همین که دختر در مکانی بوده که امکان یاری خواستن نداشته، اماره ای است بر اینکه وی مجبور به زنا شده است و بدین‌روى، مجازات نمی‌شود، مگر آنکه رضایت وی با شهادت شهود اثبات شود. اما اگر این جرم در جایی رخ دهد که امکان یاری خواهی وجود داشته (در شهر)، اما دختر چنین نکرده (تثنیه، ۲۲: ۲۳-۲۴) فرض بر رضایت اوست و هر دو مجازات می‌شوند، مگر اینکه دختر بتواند اکره را اثبات کند.

۳. زناى با محارم

تورات خویشاوندان خاصی را ذکر کرده و رابطه جنسی را با آنان ممنوع دانسته است. منع ارتباط جنسی با یکی از «بستگان نزدیک» به خویشاوندان نسبی ذیل محدود شده است: مادر، مادر زن، زن پدر، خواهر، خواهر ناتنی، نوه (دختر پسر، دختر دختر)، عمه و خاله، زن عمو، عروس، زن برادر، نادختری و نوه همسر، خواهر همسر (مادام که همسر زنده است) (لاویان، ۷: ۱۸-۱۹). مواردی که زناى با محارم محسوب می‌شود منحصر در فهرست فوق است و با قیاس نمی‌توان موارد دیگر را در آن داخل کرد؛ زیرا جرم‌انگاری مستلزم بیان صریح در خصوص منع رفتار و مجازات مربوط به آن است.

۴. زنا با دختر باکره

در آیین یهود زنا با دختر باکره‌ای که نامزد ندارد احکام خاص خود را دارد و جرم به معنای خاص آن تلقی نمی‌شود، و فقط زانی به او مهرالمثل دوشیزگان را می‌دهد (خروج، ۱۶: ۲۳-۱۷). «و اگر زنا‌ی با باکره به عنف صورت گیرد باید پنجاه مثقال نقره به پدر دختر بدهد و آن دختر را به عقد ازدواج خود درآورد» (تثنیه، ۲۸: ۲۹-۲۲).

راه‌های اثبات زنا در امامیه

در میان تمام فرق اسلامی، دو راه برای اثبات زنا وجود دارد: «اقرار» و «بینه». «علم قاضی» نیز از طرق اختصاصی اثبات زنا در مذاهب امامیه و شافعیه است.

یک. اقرار

زنا از طرف زن و مرد با اقرار ثابت می‌شود. برای مقر و اقرار در کتب فقهی شروطی ذکر شده است:

الف. مقر به زنا باید کامل (یعنی بالغ و عاقل) باشد.

ب. مقر باید آزاد و مختار باشد (محقق حلی، ۱۴۰۸ق، ج ۳، ص ۵۲۲).

ج. براساس فقه امامیه برای اثبات زنا، نیاز به چهار بار اقرار است. از نظر برخی فقهای امامیه (شیخ مفید،

ابن‌دریس و شیخ طوسی) اگر کمتر از چهار بار اقرار کند، تعزیر می‌شود (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۴۱، ص ۲۸۲).

اگر شخصی به زنا‌یی که موجب رجم است اقرار کند، سپس اقرارش را انکار نماید حد رجم از او برداشته می‌شود، ولی حد جلد از او ساقط نمی‌شود؛ و اگر به زنا‌یی اقرار کند که حد آن رجم نیست (بلکه تازیانه است)، سپس آن را انکار کند حد جلد از او برداشته نمی‌شود (و انکار بعد از اقرار در این صورت پذیرفته نیست) (خوئی، ۱۳۹۴، ج ۲، ص ۳۰).

دو. بینه

مذاهب اسلامی بر اثبات زنا توسط شهادت چهار مرد اتفاق نظر دارند. فقهای امامیه برخلاف فقهای اهل سنت، علاوه بر پذیرش شهادت چهار مرد بر زنا (سمرقندی، ۱۴۰۵ق، ج ۳، ص ۱۴۰)، شهادت سه مرد و دو زن، یا دو مرد و چهار زن را نیز پذیرفته‌اند، اگرچه در صورت اخیر، تنها تازیانه ثابت می‌شود، نه سنگسار (محقق حلی، ۱۴۰۸ق، ج ۳، ص ۵۳۴).

شروط شهود و شهادت در زنا

الف) کمال (بلوغ و عقل) و عدالت؛

ب) مرد بودن (مفید، ۱۴۱۳ق، ص ۷۷۵)؛

ج) باید همه شهود بر یک فعل و در یک زمان و در یک مکان اتفاق نظر داشته باشند. بنابراین اگر شهود (در

یکی از این امور) با یکدیگر اختلاف نظر داشته باشند حد قذف بر آنها جاری می‌شود. ولی اگر اختلاف شهود در

مواردی باشد که موجب تعدد و اختلاف فعل ارتكابی نشود (یعنی تفاوت گفته آنها در جزئیات باشد، ولی بر اصل وقوع فعل همه متفق القول باشند)، همانند آنکه برخی از شهود بگویند زن معینی - مثلاً - از فلان قبیله زنا داده و برخی دیگر بگویند که آن زن از قبیله‌ای دیگر بوده است و یا تفاوت در جزئیاتی از این قبیل که به ثبوت زنا ضرری وارد نمی‌کند، اشکالی ندارد. ولی اگر اختلاف شهود درباره ویژگی زنا باشد، مانند اینکه برخی از شهود بگویند که مرد آن زن را مجبور به زنا کرده است و برخی دیگر بر عدم اجبار و آکراه زن شهادت بدهند و بگویند: آن زن از روی رضایت و اختیار مرتکب زنا شده است، در این صورت در ثبوت زنا نسبت به مرد زناکار اشکال وجود دارد (خوئی، ۱۳۹۴، ج ۲، ص ۳۴).

د) باید زنا را کاملاً توصیف کنند؛ یعنی بگویند داخل شدن آلت مرد در فرج زن را مشاهده کرده‌اند؛ مانند داخل شدن میل در سرمه‌دان. بنابراین صرف شهادت دادن به زنا به‌طور مطلق و بدون ذکر مشاهده یا به کنایه کفایت نمی‌کند (محقق حلی، ۱۴۰۸ق، ج ۳، ص ۵۲۴). به عبارت دیگر، برای پذیرش شهادت بر زنا، شرط است که شهادت براساس حس و مشاهده باشد، و اگر شهود بدون اینکه زنا را با چشم خود دیده باشند شهادت دهند، بر فردی که علیه او شهادت داده شده حد زنا جاری نمی‌شود و شاهدها حد قذف می‌شوند (خوئی، ۱۳۹۴، ج ۲، ص ۳۳).

سه. علم حاکم

حاکم در حد، به علم خود حکم می‌کند، و گفته‌اند: علم حاکم از بیّنه قوی‌تر است؛ زیرا بیّنه اماره است و موجب ظن می‌شود، اما علم همان یقین است. بنابراین به طریق اولی حجت خواهد بود. حسین بن خالد از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که فرمودند: «بر امام علیه السلام واجب است هرگاه دید مردی زنا می‌کند یا شراب می‌نوشد، با دیدن خود، حد بر او اقامه کند و دیگر به بیّنه نیازی نیست؛ زیرا امام امین خدای تعالی در میان خلق است. اما هرگاه مردی را دید دزدی می‌کند، بر او واجب است او را نهی نماید و از این کار منکر بازدارد، و بگذرد و او را واگذارد. راوی پرسید: این چگونه است (و چه فرقی است بین علم امام به زنا و شرب خمر و بین علم او به دزدی)؟ امام پاسخ فرمودند: حق اگر برای خدا (حقّ الله) باشد اقامه آن بر امام واجب است، و اگر برای مردم (حق الناس) باشد بر مردم است (یعنی: مردم باید مطالبه حق خود کنند) تا امام اقامه حد نماید (مجلسی، ۱۴۰۶ق، ج ۲۳، ص ۴۰۸).

راه‌های اثبات زنا در یهود

۱) شهادت شهود

اثبات جرم منحصرأ با شهادت - دست کم - دو شاهد امکان‌پذیر است که با چشمان خود وقوع جرم را همزمان دیده‌اند و باید با هم در محضر دادگاه واحدی شهادت دهند. دو شاهد به قوت صد شاهد و صد شاهد به قوت

دو تاست. بنابراین، اگر دو گروه از شاهدان بدون توجه به تعداد هریک، همدیگر را تکذیب کنند، دادگاه دعوی را رد می‌کند (سلیمانی، ۱۳۸۴، ص ۳۲۹-۳۳۰). «از گواهی دو یا سه شاهد، آن کسی که مستوجب مرگ است کشته شود، و از گواهی یک تن کشته نشود» (تثنیه، ۱۷: ۶).

«یک شاهد بر کسی برنخیزد به هر تقصیر و هر گناه از جمیع گناهانی که کرده باشد. به گواهی دو شاهد یا به گواهی سه شاهد هر امری ثابت شود» (تثنیه، ۱۹: ۱۵).

شروط شهود در حقوق کیفری یهود

در حقوق کیفری یهود، کشف حقیقت و برقرار ساختن آن تنها به لیاقت و شایستگی و انصاف داوران بستگی ندارد، بلکه بیش از آن به قابل اعتماد بودن گواهان وابسته است. بدین‌روی، قانون «تلمود» عالی‌ترین مراتب شایستگی را که از قضات انتظار دارد، از شهود نیز خواستار است. تا شخص به پاکدامنی و نیکنامی مشهور نباشد و شهادت او کاملاً بی‌طرفانه و عاری از منافع شخصی تلقی نگردد، گواهی‌اش پذیرفته نمی‌شود (کهن، ۱۳۵۰، ص ۳۰۹). شروطی که قوانین یهودی برای شهود برشمرده‌اند از این قرار است:

۱. مرد بودن؛ مطابق مقررات یهود فقط مردان می‌توانند در دادگاه شهادت دهند و براساس «تلمود»، زن برای شهادت شایسته نیست. اما مطابق مقررات جزایی اسلام، فقه امامیه و قانون مجازات اسلامی، در مواردی شهادت زنان به انضمام مردان پذیرفته شده است؛ مانند قتل غیر عمد و زنا.

۲. بلوغ؛

۳. آزاد بودن؛

۴. شایستگی؛ گواهان باید افرادی قابل اعتماد باشند تا از شهادت آنها اطمینان حاصل شود. این افراد باید به پاکدامنی و نیکنامی شهره باشند. بنابراین، کسانی که این صفات را ندارند، نمی‌توانند شهادت دهند. شریعت افراد بسیاری را برشمرده است که با توجه به عدم شایستگی، حق شهادت ندارند.

ده گروه از مردم صلاحیت شهادت ندارند: زنان، کودکان، کرولان، افرادی که سوءسابقه قضایی دارند، ناقضان شریعت، شهودی که با هم خویشاوندند (و شهودی که با قاضی خویشاوندند و شهودی که با طرفین دعوا خویشاوندند)، دوست و دشمن، کسی که مشکوک به خیانت به مال دیگران است، قماربازان، اشخاصی که محصولات سال هفتم را خرید و فروش می‌کنند (براساس تورات نباید محصول سال هفتم زمین خرید و فروش شود) (کهن، ۱۳۵۰، ص ۳۰۹).

(۲) قانون سوء ظن (آزمون ارادلی)

اثبات جرم زنا در آیین یهود توسط شهادت شهود انجام می‌شود، اما در یک‌جا به‌طور خاص اثبات زنا توسط آزمون الهی صورت می‌گیرد که تورات از آن به «قانون سوء ظن» تعبیر نموده است. براساس این قانون، اگر مردی به

همسر خود سوء ظن پیدا کند که وی زنا کرده، اما بر ادعای خود شاهدهی نداشته باشد می‌تواند برای کشف موضوع از طریق آزمون الهی به شرح ذیل اقدام نماید:

هرگاه زن کسی از او برگشته، به وی خیانت ورزد و مردی دیگر با او همبستر شود و این از چشمان همسرش پوشیده و مستور باشد آن زن نجس است، و اگر بر او شاهدهی نباشد و در عین فعل گرفتار نشود و روح غیرت بر او بیاید و به زن خود غیور شود و آن زن نجس شده باشد، یا روح غیرت بر او بیاید و به زن خود غیور شود و آن زن نجس نشده باشد پس آن مرد زن خود را نزد کاهن بیاورد و به جهت او برای هدیه، یک عشر ایفه آرد جوین بیاورد و روغن بر آن نریزد و کندر بر آن نهد؛ زیرا که هدیه غیرت است و هدیه یادگار که گناه را به یاد می‌آورد. و کاهن او را نزدیک آورده، به حضور خداوند برپا دارد و کاهن آب مقدس در ظرف سفالین بریزد و کاهن قدری از غباری که بر زمین مسکن باشد گرفته، بر آب بپاشد و کاهن زن را به حضور خداوند برپا داشته، موی سر او را باز کند و هدیه یادگار را که هدیه غیرت باشد بر دست آن بگذارد و آب تلخ بر دست کاهن باشد و کاهن به زن قسم داده، به وی بگوید: اگر کسی با تو همبستر نشده و اگر به سوی نجاست به کسی غیر از شوهر خود برگشته‌ای پس از آب تلخ لعنت میرا شوی، ولیکن اگر به غیر از شوهر خود برگشته، نجس شده‌ای و کسی غیر از شوهرت با تو همبستر شده است، آنگاه کاهن زن را قسم لعنت بدهد و کاهن به زن بگوید: خداوند تو را در میان قوم مورد لعنت و قسم بسازد به اینکه خداوند ران تو را ساقط و شکم تو را منتفخ گرداند و این آب لعنت در احشای تو داخل شده، شکم تو را منتفخ و ران تو را ساقط بسازد، و آن زن بگوید: آمین آمین. و کاهن این لعنت‌ها را در طوماری بنویسد و آنها را در آب تلخ محو کند و آن آب لعنت تلخ را به زن بنوشاند و آن آب لعنت در او داخل شده، تلخ خواهد شد و کاهن هدیه غیرت را از دست زن گرفته، آن هدیه را به حضور خداوند بجناند و آن را نزد مذبح بیاورد. و کاهن مشتیی از هدیه برای یادگاری آن گرفته آن را بر مذبح بسوزاند و بعد از آن، آب را به زن بنوشاند و چون آب را به او نوشاند اگر نجس شده و به شوهر خود خیانت ورزیده باشد آن آب داخل او شده، تلخ خواهد شد و شکم او منتفخ و ران او ساقط خواهد شد و آن زن در میان قوم خود مورد لعنت خواهد بود و اگر آن زن نجس نشده، طاهر باشد آنگاه میرا شده اولاد خواهد زاید.

این است قانون غیرت، هنگامی که زن از شوهر خود برگشته، نجس شده باشد. یا هنگامی که روح غیرت بر مرد بیاید و بر زنش غیور شود، آنگاه زن را به حضور خداوند برپا بدارد و کاهن تمامی این قانون را درباره او اجرا دارد. پس آن مرد از گناه میرا شود و زن گناه خود را متحمل خواهد بود (اعداد، ۵: ۱۲-۳۱).

اگر بخواهیم در شریعت اسلام برای این طریق اثبات زنا، مشابهی پیدا کنیم می‌توانیم به نهاد «لعان» در قرآن کریم اشاره نماییم، البته با تفاوت‌های بسیار. همان‌گونه که فقهای امامیه ذکر کرده‌اند، در صورتی که مردی با چشمان خود ببیند که همسرش مرتکب زنا شده، اما شاهدهی برای اثبات موضوع نداشته باشد در این صورت اگر همسر خود را متهم به زنا نماید چون شهود لازم برای اثبات جرم زنا را ندارد مستوجب حد قذف می‌گردد؛ اما چون مرد تنها شخصی است که در هر زمانی به خلوت همسر خود راه دارد و احتمال صدق گفتار وی زیاد است، شریعت استثنائاً راهی را تشریح کرده تا از این طریق، هم مرد از مجازات قذف رهایی یابد و هم امکان اثبات زنای همسرش برای وی فراهم شود. این راه همان نهاد «لعان» است که براساس آیات ۹-۱۰ سوره «نور» و تفسیر آن به شرح ذیل انجام می‌گیرد:

کسانی که به همسران خود نسبت زنا می دهند، درحالی که شاهی بر این موضوع جز خودشان ندارند پس باید برای اثبات ادعای خویش (نزد دادگاه) چهار بار شهادت دهند که «سوگند به خدا، در این زمینه راستگو هستم» و در بار پنجم باید بگوید: «لعنت خدا بر من اگر از کاذبان بوده و در ادعایم دروغگو باشم». در این صورت مجازات قذف از او برداشته می شود (و از سوی دیگر، جرم زنا ی زن اثبات می گردد. حال چون شهودی در کار نبوده و همچنان احتمال عدم صدق شوهر در ادعایش می رود، برای زن نیز راه نجاتی در نظر گرفته شده است. پس از لعان توسط مرد، زن می تواند برای تیره خود از جرم زنا و رهایی از مجازات آن، اقدام به لعان متقابل کند و در محضر دادگاه، چهار بار خدا را شاهد بگیرد که همسرش در ادعایی که می کند از کاذبان است و دروغ می گوید. و در بار پنجم باید بگوید: غضب خدا بر من اگر وی از صادقان بوده و در ادعایش راستگو باشد.

تفاوت های قانون «سوء ظن» در یهود و نهاد «لعان» در امامیه

اول. براساس حقوق کیفری یهود، زوج به صرف پیدا کردن سوء ظن نسبت به زوجه اش می تواند علیه وی اقدام قانونی نماید و از قانون «سوء ظن» برای اثبات ادعای خویش علیه وی استفاده کند، درحالی که بنا بر فقه امامیه، زوج حق استفاده از «لعان» ندارد، مگر در صورتی که با چشم خود زنا ی همسرش را دیده باشد و در صورتی که اتهام وی براساس سوء ظن باشد - ولو با شواهد و قرائن قوی صورت گرفته باشد - محکوم به حد قذف و فاسق شناخته می شود و نمی تواند با استفاده از «لعان» ادعای خویش را اثبات نماید.

دوم. بنا بر گفته کتاب مقدس، در آیین دادرسی کیفری یهود برای رسیدگی به چنین دعوی لازم است زوج به دادگاه نوعی اجرت در قالب آرد جو بپردازد، درحالی که در شریعت اسلام و فقه امامیه اخذ اجرت از طرفین دعوا بر قاضی حرام است.

سوم. براساس شیوه «ارادلی»، مسائل بهداشتی رعایت نشده و زن مجبور است از آبی که با خاک کف زمین معید آلوده شده است بیاشامد، اما راهی که قرآن کریم و به تبع آن، فقه امامیه برگزیده صرفاً درخواست از پروردگار است.

چهارم. بنا بر قانون «سوء ظن»، زوج با وجود اینکه به زوجه اتهام وارد کرده و آبروی زوجه را در معرض خطر قرار داده است، در هیچ شرایطی، حتی وقتی که زن مبرا می گردد، محکوم نمی گردد و همواره مبراست - که این نوعی تبعیض به نظر می آید - اما بنا بر فقه امامیه، در صورتی که زوج به زوجه خود اتهام خلاف عفت زند و نتواند خود را با انجام لعان مبرا سازد، محکوم به مجازات حد قذف خواهد شد.

۳) اقرار و علم قاضی

در کتاب مقدس گاهی دیده می شود که براساس اقرار، به قتل کسی حکم شده است. با این وجود، دادگاه های کیفری یهود اقرار را به مثابه دلیل اثبات جرم نمی پذیرند. مبنای این مسئله یک اصل در حقوق جزای یهود است و

آن اینکه «هیچ کس نمی‌تواند با شهادت خویش، خود را به ارتکاب جرمی متهم کند». منشأ این اصل آن است که طبق مقررات شریعت یهود، انسان تنها به خودش تعلق ندارد و همان‌گونه که حق ندارد موجب آسیب جسمانی دیگران شود، همچنین حق ندارد آسیبی به خویش وارد آورد.

در دادگاه‌های جنایی یهود نه تنها قضاات نمی‌توانستند براساس علم خویش حکم صادر کنند، بلکه حتی اگر وقوع جرم را با چشم خود مشاهده کرده بودند از رسیدگی به دعوا منع می‌شدند. علت این بود که ممکن بود تنفر و خشم ایشان مانع صدور حکم منصفانه و بی‌طرفانه گردد. دادگاه‌های یهودی هر که را از رعایت رفتار منصفانه نسبت به متهم ناتوان بود از هیأت منصفه اخراج می‌کردند؛ مثلاً مردان بی‌فرزند و سالخورده‌گان را؛ زیرا به گفته «تلمود» آنها غم و غصه بار آوردن بچه‌ها را فراموش کرده‌اند و بنابراین ممکن است بیشتر به اعمال نص دقیق شریعت علاقه داشته باشند تا اینکه عواطف و انگیزه‌های متهم را در نظر بگیرند (سلیمانی، ۱۳۸۷).

اقسام مجازات زنا و شروط آن در فقه امامیه

در خصوص اقسام حد زنا، فقه‌های امامیه هشت نوع، و *قانون مجازات اسلامی* شش نوع حد را برای زنا برشمرده‌اند و این اختلاف در عدد به سبب آن است که دو نوع از این مجازات‌ها مربوط به مجازات عبد زناکار است که در عصر حاضر مصداقی ندارد. بنابراین قانون مجازات از ذکر آن صرف‌نظر نموده است؛ در اینجا نیز از بررسی آن صرف‌نظر می‌گردد.

۱. کشتن با شمشیر (و امثال آن)

این نوع مجازات سه گروه از زناکاران است:

(الف) کسی که با محارم نسبی، مانند مادر یا خواهر خود زنا کند. قانون مجازات اسلامی از میان محارم سببی استثنائاً زن پدر را به این حکم ملحق ساخته است (قانون مجازات اسلامی، ماده ۲۲۴).

(ب) کافر ذمی در صورتی که با زن مسلمانی زنا کند.

(ج) کسی که به عنف و اکراه دیگری را وادار به زنا نماید. در این صورت بنابر قول اقوا بین قتل و جلد جمع کرده، ابتدا زانی را تازیانه می‌زنند و سپس به قتل می‌رسانند (جبعی عاملی، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص ۲۷۳-۲۷۴).

اما توضیح: حد کسی که با محرم نسبی خود زنا کند کشتن با شمشیر است و در این مسئله میان فقها اختلافی نیست و اجماع از هر دو نوعش بر آن وجود دارد. اما محرم غیرنسبی (مصاهری) مانند دختر زوجه و مادر زوجه طبق ظاهر فتاوا در حکم سایر زنان اجنبی هستند. از محارم سببی، فقها تنها زن پدر را در این مسئله به حکم محارم نسبی ملحق ساخته‌اند (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۴۱، ص ۳۱۶). در روایات قید «نسبی» ذکر نشده و حکم روی مطلق محرم آمده است. اما زنی که به واسطه ملاعنه و طلاق نهم بر مرد حرام شده است و نیز

خواهر، دختر و مادر کسی که زانی با او لواط کرده در حکم یادشده داخل نیستند و زنا با آنان موجب قتل با شمشیر نمی‌گردد، اگرچه این زنان بر زانی حرام ابدی باشند. احتمال دارد زانی با محرم رضاعی به زانی با محرم نسبی ملحق و مشمول حکم آن شود؛ زیرا با استناد به روایت «یحرم من الرضاع ما یحرم من النسب» محرم رضاعی در بسیاری از احکام به محرم نسبی ملحق می‌شود؛ اما کسی بدان فتوا نداده است، اگرچه روایت باب آن را شامل می‌شود (اصفهانی، ۱۴۱۶ق، ج ۲، ص ۵۹).

ذمی هرگاه با زن مسلمان زنا کند حدش کشتن با شمشیر است، خواه زن با میل و رغبت زنا دهد یا مجبور به زنا با ذمی شده باشد و خواه ذمی با او عقد بسته باشد و خواه با او عقد نبسته باشد. البته اگر ذمی بر این باور بوده که می‌توانسته است با زن مسلمان ازدواج نماید و بر این اساس زن مسلمان را عقد نموده باشد احتمال دارد به علت وجود شبهه، حد از او ساقط شود (اصفهانی، ۱۴۱۶ق، ج ۲، ص ۳۹۸؛ نجفی، ۱۴۰۴، ج ۴۱، ص ۳۱۳).

حد مردی که زنی را مجبور به زنا نماید نیز قتل با شمشیر است. روایات در اینجا مطلق است و خواه زانی محصن باشد و خواه غیرمحصن، حکمش قتل با شمشیر است. همچنین در این حکم فرقی نمی‌کند زانی پیر باشد یا جوان و مسلمان باشد یا کافر (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۴۱، ص ۳۱۶).

۲. سنگسار

هرگاه مرد محصن با زن بالغ و عاقل زنا کند، خواه آن زن مسلمان باشد یا کافر، باید سنگسار شود (جبعی عاملی، ۱۴۱۰ق، ج ۹، ص ۷۲). در مجازات محصن میان تازیانه و سنگسار جمع می‌شود تا به این صورت، میان عمل به آیه ۲ سوره «نور» و روایت نبوی جمع شده باشد. امیرمؤمنان علی علیه السلام وقتی این دو مجازات را درباره زن زناکاری جمع کردند، فرمودند: «او را براساس کتاب خدا تازیانه زدم و براساس سنت رسول خدا صلی الله علیه و آله سنگسار کردم». در جمع میان تازیانه و سنگسار، اول تازیانه می‌زنند، سپس سنگسار می‌کنند، تا جمع کردن میان دو کیفر مفید و مؤثر باشد (جبعی عاملی، ۱۴۱۰ق، ج ۹، ص ۸۵-۸۶).

کیفیت سنگسار در فقه امامیه

برای سنگسار کردن، زن را تا سینه و مرد را تا پهلو در خاک پنهان می‌کنند (علامه حلی، ۱۴۱۳ق، ج ۹، ص ۱۵۹). اگر مرد یا زن فرار کند، درحالی‌که زانی او با بینه ثابت شده باشد، به اتفاق فقهای امامیه بازگردانده می‌شود، و اگر ثبوت زنا به واسطه بینه نبوده باشد، بلکه به واسطه اقرار خود مرد یا زن زانی باشد و سنگ هم به بدن ایشان خورده باشد، به اتفاق فقها بازگردانده نمی‌شوند (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۴۲، ص ۳۴۹-۳۵۱). اما اگر پیش از آنکه سنگی به آنها بخورد، فرار کنند، شیخ مفید معتقد است بازگردانده نمی‌شوند (مفید، ۱۴۱۳ق، ص ۷۷۵ و ۷۸۰).

آنجا که زنا با بینه ثابت شده باشد، شهود پرتاب سنگ را آغاز می‌کنند و این کار واجب است (جبعی عاملی، ۱۴۱۰ق، ج ۹، ص ۹۵) و آنجا که زانی خودش به زنا اقرار کرده باشد، امام علیه السلام سنگسار را آغاز می‌کند، و در آغاز کردن سنگسار مسمای زدن کفایت می‌کند و از این رو، حتی اگر یک ریگ کوچک هم به سوی او پرتاب کنند، کافی است (علامه حلی، ۱۴۱۳ق، ج ۹، ص ۱۵۶). مستحب است هنگام سنگسار، مردم را خبر کنند تا در صحنه حاضر شوند و از سرنوشت گناهکار عبرت بگیرند (جبعی عاملی، ۱۴۱۰ق، ج ۱۴، ص ۳۸۷).

۳. تازیانه

صد تازیانه حد مرد بالغ محصنی است که با دختر بچه‌ای که به سن ۹ سال نرسیده، یا با زن دیوانه‌ای - اگرچه بالغ باشد - زنا کرده است، خواه زانی جوان باشد، خواه پیر (اصفهان‌ای، ۱۴۱۶ق، ج ۲، ص ۳۹۹)، و نیز حد زنی است که پسر بچه‌ای نابالغ با او زنا کرده است (علامه حلی، ۱۴۱۳ق، ج ۹، ص ۱۴۲ و ۱۴۴). اما اگر مرد دیوانه و بالغ با او زنا کند، حد کامل بر او جاری می‌شود؛ یعنی اگر زن محصن باشد، ابتدا وی را تازیانه می‌زنند و سپس سنگسار می‌کنند (جبعی عاملی، ۱۴۱۰ق، ج ۹، ص ۱۰۲)؛ زیرا ادله رجم مطلق است؛ هم شامل زنا با مرد عاقل می‌شود و هم شامل زنا با مرد دیوانه.

کیفیت تازیانه زدن در فقه امامیه

بنا بر ظاهر آیه ۲ سورة «نور»، تازیانه‌ها در کیفر زنا به شدت نواخته می‌شود، اگرچه - همان‌گونه که اشاره شد - برخی روایات مقصود از این آیه را چنین معرفی کرده‌اند که نباید از مقدار حد زنا چیزی کاسته شود. بنابراین طبق روایتی از امام باقر علیه السلام ضربات در کیفر زنا باید به صورت متوسط نواخته شود و تازیانه‌ها بر تمام قسمت‌های بدن زناکار توزیع می‌شود؛ زیرا همان‌گونه که در روایات وارد شده، زانی با تمام بدنش احساس لذت کرده است. بنابراین باید تمام بدنش تازیانه بخورد و طعم کیفر را بچشد. البته از زدن تازیانه به سر و صورت و عورتین پرهیز می‌شود؛ زیرا امکان دارد وی کشته شود یا ناقص و معیوب گردد (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۴۱، ص ۳۶۰).

در مقابل این دیدگاه، برخی فقها، مانند شیخ طوسی و گروهی دیگر که قول این گروه را به مشهور نسبت داده‌اند، قائلند: زانی را باید بر همان حالتی که هنگام زنا یافت شده است تازیانه بزنند؛ یعنی اگر هنگام زنا برهنه بوده است، بر بدن برهنه‌اش تازیانه بزنند و اگر هنگام زنا بدنش پوشیده بوده بر بدن پوشیده‌اش تازیانه بزنند (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۴۱، ص ۳۵۹).

زانی را در هنگام شدت گرمای تابستان و شدت سرمای زمستان نمی‌زنند، بلکه در اعتدال دمای روز می‌زنند تا مبادا در اثر تازیانه جان دهد؛ به این صورت که در زمستان در وسط روز و در تابستان در صبح و عصر می‌زنند (محقق حلی، ۱۴۰۸ق، ج ۴، ص ۱۵۶). اگر زناکار سه بار زنا را تکرار کند و در هر بار حد تازیانه بر او اجرا شود در مرتبه چهارم کشته خواهد شد (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۴۱، ص ۳۳۱).

۴. تازیانه و تراشیدن سر و تبعید

مجموع این تعزیرهای سه گانه بر مرد زانی آزاد غیر محصن واجب می شود، اگر چه مالک فرج نباشد، و مقصود از «مالک فرج» کسی است که ازدواج کرده، اما دخول (نزدیکی) نکرده است (جبعی عاملی، ۱۴۱۰ق، ج ۹، ص ۱۰۸). سر بتمامه تراشیده می شود و این شامل تراشیدن غیر سر - مثل ریش - نمی شود. شخص از شهرش، بلکه از مطلق وطنش به ناحیه دیگری تبعید می شود که می تواند دور یا نزدیک باشد، و این بستگی به نظر امام علیه السلام دارد و زمان آن یک سال قمری است (جبعی عاملی، ۱۴۱۰ق، ج ۹، ص ۱۱۰).

۵. ضغث

مقصود از «ضغث» این است که در اجرای حد به جای ضربات متعدد تازیانه به تعداد همان ضربات یک دسته از تازیانه را به طور یکجا بر مجرم بزنند. این حدّ مریض است، در صورتی که تحمل خوردن تازیانه پشت سر هم را نداشته باشد (اگر حدش رجم نباشد)، اگر چه بتواند به طور پراکنده در چند روز آن را تحمل کند و مصلحت مقتضی تسریع در اجرای حد باشد. (جبعی عاملی، ۱۴۱۰ق، ج ۹، ص ۱۱۳). در غیر این صورت، حد وی تا بهبودش به تأخیر می افتد (علامه حلی، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص ۵۳۰).

۶. تازیانه و کیفر زاید بر آن

این قسم تازیانه تعیین شده (صد ضربه) همراه با کیفر زاید بر آن است. این حد کسی است که در شب یا روز ماه رمضان زنا کرده، اگر چه حرمت زنا در روز ماه رمضان شدیدتر و کیفر آن سخت تر است، یا کسی که در سایر زمان های شریف، مانند روز جمعه، روز عرفه و عید یا مکانی شریف زنا کرده باشد؛ مانند مسجد، حرم و مشاهده مشرفه یا آنکه با زن مرده زنا کرده باشد. در مقدار زیادی بر طبق نظر حاکم عمل می شود (جبعی عاملی، ۱۴۱۰ق، ج ۹، ص ۱۱۶).

اقسام مجازات زنا و شرایط آن در شریعت یهود

در متون حقوق کیفری یهود نیز مانند فقه امامیه می توان هشت نوع مجازات در خصوص جرم زنا شناسایی نمود که از این هشت نوع، به نظر می رسد دو نوع به مجازات های الهی اختصاص دارد و امروزه اجرا نمی شود: یکی مجازات برهنه کردن و دیگری از تشنگی هلاک کردن.

یکم. سنگسار

در کتاب مقدس، مجازات زنا می محصنه سنگسار است:

اگر دختر باکره ای به مردی نامزد شود و دیگری او را در شهر یافته، یا او همبستر شود، پس هر دو ایشان را نزد دروازه شهر بیرون آورده، ایشان را با سنگ ها سنگسار کنند تا بمیرند. اما دختر را چون که در شهر بود و فریاد نکرده، و مرد را چون که زن همسایه خود را ذلیل ساخت. پس بدی را از میان خود دور کرده ای (تثنیه، ۲۲: ۲۳-۲۴).

البته در حقوق کیفری یهود، مجازات سنگسار منحصر به زناى محصن نیست، بلکه شامل مجازات زنا با افراد دیگری نیز می‌شود؛ از جمله: الف) زنا با مادر؛ ب) زنا با زن پدر؛ ج) زنا با عروس.

مردی که با زن پدرش همخوابگی کند با ناموس پدرش همخوابگی کرده، هر دو کشته شوند. خونشان گردن خودشان است. اگر مردی با عروسش همخوابگی کند هر دو کشته شوند؛ چون مرتکب فجور شده‌اند و کشته شوند. خونشان به گردن خودشان است (لاویان، ۲۰: ۱۰-۱۴)

دانشمندان تلمودی مقصود از این کشتن را سنگسار دانسته‌اند.

د) اگر زنی پس از ازدواج، از جانب شوهر مورد اتهام قرار گیرد که قبل از ازدواج باکره نبوده و با دیگری ارتباط داشته است. در صورتی که نتواند بی‌گناهی خود را اثبات نماید سنگسار می‌گردد! (اعداد، ۵: ۱۲-۳۱)

کیفیت اجرای سنگسار در یهود

از نظر عالمان تلمودی، سنگسار شدیدترین شیوه مجازات اعدام است. براساس قوانین تورات همه قوم باید در اجرای چنین مجازاتی شرکت کنند و با پرتاب سنگ، مجرم را بکشند: «تمام جماعت او را البته سنگسار کنند» (لاویان، ۱۶: ۲۴؛ اعداد، ۳۵: ۱۵؛ تثنیه، ۷: ۱۷).

براساس کتاب مقدس، شروع سنگسار باید توسط شهود صورت گیرد و سپس سایر مردم. نخست باید دست شاهدان بر کشتن او بلند شود و بعد دست تمامی قوم (تثنیه، ۷: ۱۷). اما مفسران تلمودی تورات را برخلاف ظاهر، این‌گونه معنا کرده‌اند: به جای اینکه شهود بر مجرم سنگ بزنند، وی را از مکان بلندی به زیر افکنند؛ زیرا تفاوتی نیست بین اینکه سنگ بر وی افتد یا وی بر سنگ افتد! در این روش یک جایگاه برای سنگسار مشخص شده که نه آن قدر بلند باشد که بدن مجرم با سقوط از آن متلاشی گردد و نه آن قدر کوتاه باشد که منجر به مرگ فوری مجرم شود. مستند آنها این عبارت تورات است که بیان می‌دارد: «نخست باید دست شاهدان به جهت کشتن بلند شود» که با این روش نیز صدق می‌کند. اما آنان از این نکته غفلت کرده‌اند که ادامه کلام تورات این معنا را نقض می‌کند؛ زیرا می‌فرماید: «و بعد از آن دست تمامی قوم (باید بلند شود)». به نظر می‌رسد مقصود تورات همان حکم منصوص ظاهری آن است که در فقه امامیه نیز بدان تصریح شده، مبنی بر اینکه در صورتی که زنا توسط شهادت شهود ثابت شده، این شاهدان هستند که باید آغازگر مراسم سنگسار باشند و آن را شروع کنند. اما تأویل عجیب و خلاف ظاهر تلمودیان حکم تورات را از مقصود واقعی خود دور ساخته است.

دوم. سوزاندن

مجازات سوزاندن به آتش در حقوق کیفری یهود برای جرم زنا در چند مورد مقرر گشته است:

الف) مجازات دختر کاهنی که خود را با فاحشگی بی‌عصمت ساخته: «دختر هر کاهنی که خود را به فاحشگی بی‌عصمت ساخته باشد پدر خود را بی‌عصمت کرده است، به آتش سوخته شود» (لاویان، ۲۱: ۹).

ب) مجازات زناى با مادرزن: «اگر كسى زنى و مادرش را بگيرد اين قباحت است؛ او و ايشان به آتش سوخته شوند» (لاويان، ۲۰: ۱۴).

براساس اندیشه تلموديان زنا با يك زن و مادر او شامل دختر خود او، دختر دختر و دختر پسر او، دختر زن انسان و دختر دختر و دختر پسر وى، مادر زن، مادر مادر زن و مادر پدر زن نيز مى‌شود.
 زناى تامار عروس يهودا: «بعد از سه ماه يهودا را خبر داده، گفتند: عروس تو تامار زنا کرده است. اينك از زنا نيز آبتن است. پس يهودا گفت: وى را بيرون آرید تا سوخته شود» (پيدايش، ۳۸: ۲۴).
 سوم. برهنه كردن و از تشنگى هلاك كردن

به برادران خود (عمى) و به خواهران خويش (روحامه) محاجه نماييد! مادرت را توبيخ كن؛ زيرا زن مرد ديگرى شده است و من ديگر شوهر او نيستم. از او بخواه تا از فاحشگى دست بردارد و ديگر خودفروشى نكند، وگرنه رخت او را كنده، وى را برهنه نمايم و او را مثل روز ولادتش گردانيده، مانند بيابان واگذارم و مثل زمين خشك گردانيده، به تشنگى بگشتم (هوشع، ۲: ۴-۱).

ظاهراً مجازات مذکور از مجازات‌هاى الهى محسوب شده و معلوم نيست توسط دستگاه قضايى يهود اجرايى گردد.

چهارم. مقله كردن

اى اهلبيبه، خداوند يهوه چنين مى‌فرمايد: اينك من عاشقانت را كه جانت از ايشان متنفر شده به ضد تو برانگيزاننده ... داورى تو را به ايشان خواهم سپرد تا تو را بر حسب احكام خود داورى نمايند، و من غيرت خود را به ضد تو خواهم برانگيخت تا با تو به غضب عمل نمايند، و بينى و گوش‌هايت را خواهند بريده و بقيه تو با شمشير خواهند افتاد و پسران و دخترانت را (به اسارت) خواهند گرفت و بقيه تو به آتش خواهد شد... اين كارها را با تو خواهم كرد؛ از اين جهت كه در عقب امت‌ها زنا نموده، خويشتن را از بت‌هاى ايشان نجس ساخته‌اى (حزقيال، ۲۳: ۲۲-۳۱).

اين مجازات نيز ظاهراً از مجازات نوع اخير است.

پنجم. تاديب (تازيانه و قربانى)

براساس كتاب مقدس، زناى محصنه درصورتى كه با كنيز ديگرى صورت گيرد مجازات سلب حيات ندارد، بلكه فقط دو طرف تاديب مى‌گردند:

مردى كه با زنى همبستر شود و آن زن كنيز و نامزد كسى باشد، اما فديه نداده شده و نه آزادى به او بخشيده، ايشان را سياست بايد كرد، ليكن كشته نشوند؛ زيرا كه او آزاد نبود (لاويان، ۲۰: ۱۹).

براساس قانون تورات، مرد در اين صورت بايد قربانى هم تقديم كند:

مرد براى قربانى جرم خود، قوچ قربانى جرم را نزد خداوند بياورد و كاهن براى وى به قوچ قربانى جرم نزد خداوند گناهش را كه کرده است، كفاره خواهد كرد و او از گناهی كه کرده است آمرزیده خواهد شد (لاويان، ۱۹: ۲۱-۲۲).

ششم. خفه کردن

الف) مجازات مردی که با دختر کاهن زنا کند اعدام از طریق خفه کردن است (سپهردین، ۱: ۱۱) و شیوه خفه کردن به این نحو است که محکوم را تا زیر بغل در توده گل فرو می‌برند و دو دستمال دور گردنش می‌پیچند و شاهدان از دو طرف دستمال‌ها را می‌پیچند تا مجرم خفه شود (سلیمانی، ۱۳۸۰).

ب) اگر مردی به زنی که باکره نیست برخلاف میل و اراده او، با اجبار و اکراه تجاوز کند مجازات وی قتل خواهد بود (تثنیه ۲۲: ۲۵-۲۷). اما ذکر قید «باکره» از آن روست که تورات درباره زنا به عنف با دختر باکره حکم دیگری دارد - که در ادامه می‌آید.

سنت شفاهی مواردی را در حکم زنا به عنف تلقی کرده است: اگر درحالی که زنی در خواب است با او زنا شود، به لحاظ فقد اراده زن، زنا به عنف تلقی می‌شود. همچنین نزدیکی با دختر صغیر، همواره زنا به عنف دانسته می‌شود؛ زیرا چنین دختری دارای اراده نیست. لازم به ذکر است معمولاً درباره نوع قتل، هر جا کتاب مقدس تصریحی ندارد مفسران تلمودی آن را حمل بر خفیف‌ترین نوع اعدام از میان چهار نوع اعدام در حقوق کیفری یهود (سنگسار، سوزاندن، زدن سر با شمشیر و خفه کردن) کرده، در نتیجه به خفه کردن محکوم حکم می‌نمایند.

هفتم. مجازات نقدی ۵۰ مثقال نقره به پدر دختر

در این باره در تورات گزارش شده است:

اگر مردی دختر باکره‌ای را که نامزد نباشد بیابد و او را گرفته، با او همبستر شود و گرفتار شوند، آنکه آن مرد با او خوابیده است پنجاه مثقال نقره به پدر دختر بدهد و آن دختر زن او باشد؛ چون که او را دلیل ساخته است و تمامی عمرش نمی‌تواند او را رها کند (تثنیه، ۲۲: ۲۸ و ۲۹).

طبق سنت شفاهی باید براساس اوضاع و احوال، در هر مورد تاوان درد و رنج، تاوان خجالت‌زدگی و لکه‌دار کردن را نیز بپردازد. چنان که روشن شد، زنا با دختر باکره، حتی با اکراه وی، جرم به معنای خاص نیست و فقط موجب پرداخت غرامت است؛ آن هم غرامتی که به خود بزه‌دیده پرداخت نمی‌شود، بلکه به پدر وی تعلق می‌گیرد. گرچه مرد در این صورت باید با دختر ازدواج کند، اما اگر دختر این ازدواج را نپذیرد، وی را به پذیرش آن مجبور نمی‌کنند.

هشتم. پرداخت مهرالمثل دوشیزگان به دختر

اگر مردی با دختر باکره‌ای زنا کند، اما از طریق اغوا - نه به عنف - باید مهریه او را پرداخته، با وی ازدواج نماید:

اگر کسی دختری را که نامزد نبود فریب داده، با او همبستر شد، البته می‌باید او را زن منکوحه خویش سازد و هرگاه پدرش راضی نباشد که او را بدو دهد موافق مهر دوشیزگان نقدی بدو باید داد (خروج، ۲۲: ۱۵-۱۶).

حکم قذف در دو مذهب

بررسی متون حقوقی دو مکتب نشان می‌دهد: اتهام زدن به زن پاکدامن گناه است و مجازات به دنبال خواهد داشت، با این تفاوت که این موضوع در شریعت یهود در تمام موارد رعایت نشده و گاهی بعکس، مسئولیت دفاع در قبال تهمت پاکدامنی بر دوش خود متهم گذاشته شده است، بی‌آنکه نسبت به افترازننده جرم‌انگاری صورت پذیرد.

در این خصوص توجه به این حکم تورات قابل تأمل است:

اگر مردی با دختری ازدواج کند و پس از همبستر شدن با او، وی را متهم کند که قبل از ازدواج با مرد دیگری روابط جنسی داشته است و بگوید: «چون با او نزدیکی نمودم او را باکره نیافتم»، آنگاه پدر و مادر آن دختر علامت بکارت دختر را برداشته، نزد مشایخ شهر نزد دروازه بیاورند، پدر دختر به مشایخ بگوید: دختر خود را به این مرد به زنی داده‌ام و از او کراهت دارد؛ اینکه اسباب حرف بدو نسبت داده، می‌گوید: دختر تو را باکره نیافتم و علامت بکارت دختر من این است. پس باید جامه را پیش مشایخ شهر بگسترانند. پس مشایخ آن شهر آن مرد را گرفته، تنبیه کنند و او را صد مثقال نقره جریمه نموده، به پدر دختر بدهند؛ چون که بر باکره اسرائیل بدنامی آورده است. و او زن وی خواهد بود و در تمامی عمرش نمی‌تواند او را رها کند. لیکن اگر این سخن راست باشد و علامت بکارت آن دختر پیدا نشود، آنگاه دختر را نزد در خانه پدرش بیرون آورند و اهل شهرش او را با سنگ سنگسار نمایند تا بمیرد؛ چون که در خانه پدر خود زنا کرده است؛ در اسرائیل چنین قباحتی نموده است. پس بدی را از میان خود دور کرده‌ای (تنبیه، ۲۲: ۱۳-۲۱).

ملاحظه می‌شود که در اینجا با اینکه شوهر به زن اتهام زده، اما بار اثبات بی‌گناهی بر عهده زوجه قرار گرفته و زوج هیچ مسئولیتی در قبال اثبات ادعایش ندارد که این خلاف قواعد آیین عادلانه دادرسی است. در ادامه نیز اگر زوجه یا پدر وی نتوانند پاکي و بی‌گناهی زوجه را - هنگامی که در منزل پدر بوده - ثابت کنند زوجه به سخت‌ترین نوع مجازات از دیدگاه حقوق کیفری یهود محکوم می‌گردد که این موضوع با قواعد عدل و انصاف سازگار نیست. اما اگر این موضوع در مذهب امامیه مطرح گردد به اتفاق جمیع فقهای امامیه چنین مردی مرتکب جرم «قذف» شده است و در صورتی که نتواند ادعای خود را با چهار شاهد عادل یا نصاب مورد نیاز اثبات نماید با درخواست زوجه به هشتاد تازیانه حدی محکوم خواهد شد و چیزی بر عهده زوج قرار نخواهد گرفت.

نتیجه‌گیری

۱. تعریفی که از «زنا» در متون حقوقی امامیه به دست آمد دقیق‌ترین تعریف موجود در کتب حقوق یهودی است. اقسام زنا در فقه امامیه عبارت است از: زنا با محارم، زنا با عنف، زنا با محصنه و زنا با کسی که جزو هیچ‌یک از اقسام مذکور نباشد. اقسام زنا در حقوق کیفری یهود عبارت است از: زنا با زن شوهردار، زنا با عنف، زنا با محارم، زنا با باکره و زنا با کسی که در هیچ‌یک از اقسام مذکور نباشد.

۲. مقصود از «احسان» در باب زنا که موجب محصنه شدن زناکار می‌گردد میان دو مذهب متفاوت است. در مذهب امامیه مقصود از «احسان» آن است که زناکار با شرایط ویژه‌ای همسر داشته باشد، اعم از اینکه طرف مقابل وی در زنا همسر داشته باشد یا نداشته باشد. اما در آیین یهود «محسن» کسی است که با شخصی که همسر دارد زنا کند، اعم از اینکه خودش همسر داشته باشد یا نداشته باشد.

۳. راه‌های اثبات زنا در فقه امامیه عبارت است از: شهادت شهود، اقرار زناکار و علم قاضی، در حالی که شرایط اثبات زنا در حقوق کیفری یهود، منحصر در شهادت شهود است و تنها به‌عنوان استثنا براساس قانون «سوء ظن»

در جایی که زوج نسبت به زوجه‌اش مظنون باشد، می‌توان از آزمون «ارادلی» استفاده کرد. درباره خصوصیات شهادت هم اختلافاتی میان دو مذهب به چشم می‌خورد؛ از جمله اینکه اثبات زنا در فقه امامیه نسبت به آیین یهود، نیاز به شهود بیشتری دارد. از سوی دیگر، برخلاف آیین یهود، امامیه گواهی زنان را به انضمام مردان برای اثبات زنا پذیرفته است. این در حالی است که شریعت یهود برای گواهی زنان اعتباری قائل نشده است.

۴. مجازات‌های پیش‌بینی شده در فقه امامیه متناسب با انواع زنا عبارت است از: قتل با شمشیر و امثال آن، سنگسار، صد ضربه تازیانه، صد ضربه تازیانه به همراه حلق رأس و تبعید، پنجاه ضربه تازیانه، بخشی از صد تازیانه، زدن یک دسته از تازیانه که به تعداد ضربات است به‌طور یکجا بر بیمار، تازیانه حدی به همراه تازیانه تعزیزی. اما در آیین یهود مجازات‌های زنا عبارت است از: سنگسار، سوزاندن، برهنه کردن و از تشنگی هلاک ساختن، مثله کردن، تازیانه زدن و قربانی دادن، خفه کردن، مجازات نقدی ۵۰ مثقال نقره به پدر مورد تجاوز قرار گرفته، و مهریه دوشیزگان.

۵. در نهایت می‌توان با دقت در تمام مباحثی که در طول مقاله ارائه شد از جمله تفاوت قانون «سوء ظن» با نهاد «لعان» یا تفاوت حکم «قذف» در دو مذهب، اذعان نمود: در قوانین کیفری فقه امامیه نسبت به حقوق کیفری یهود، به اصل نسبت میان جرم و مجازات توجه بیشتری شده و مقررات آن به عدل و انصاف نزدیک‌تر است و کمتر دستخوش تغییر و در معرض تأویل و تبدیل قرار گرفته است.

منابع

- کتاب مقدس (عهد قدیم)، ۲۰۰۲م، ترجمه رابرت بروس و کارپت اوهانس، چ سوم، انتشارات ایلام.
- ابن منظور، محمدبن مکرم، ۱۴۱۴ق، *لسان العرب*، چ سوم، بیروت، دارالفکر.
- اصفهانى، محمدبن حسن (فاضل هندى)، ۱۴۱۶ق، *کشف اللثام والابهام عن قواعد الاحکام*، قم، جامعه مدرسین.
- جبى عاملی، زین‌الدین بن علی، ۱۴۱۰ق، *الروضه البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیه*، قم، داوری.
- _____، ۱۴۱۳ق، *مسالك الافهام الى تنقيح شرائع الاسلام*، قم مؤسسه المعارف الاسلامیه.
- جلیلی، محمدرضا، ۱۳۸۴، *جایگاه زن در خانواده و اجتماع در اسلام و یهودیت*، چ دوم، تهران، دستان.
- حسین‌زاده، محمدعلی، ۱۳۸۳، *سیری در مکتب یهود*، چ سوم، تهران، کیهان.
- حلی، حسن بن یوسف، ۱۴۱۳ق، *مختلف الشیعه فی احکام الشریعه*، چ دوم، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- خوئی، سیدابوالقاسم، ۱۳۹۴، *مبانی تکملة المنهاج*، ترجمه علیرضا سعید، چ پنجم، تهران، خرسندی.
- دورانت، ویل، ۱۳۷۶، *تاریخ تمدن*، ترجمه احمد آرام، چ پنجم، تهران، علمی و فرهنگی.
- سلیمانی، حسین، ۱۳۸۰، «مجازات‌ها در حقوق کیفری یهود»، *هفت آسمان*، دوره سوم، ش ۹، ص ۲۰۳-۲۴۲.
- _____، ۱۳۸۴، *عدالت کیفری در آیین یهود*، چ دوم، قم، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب.
- _____، ۱۳۸۷، «دله اثبات کیفری در آیین یهود»، *هفت آسمان*، ش ۱۶، ص ۸۸-۶۵.
- سمرقندی، علاء‌الدین، ۱۴۰۵ق، *التحفة الفقهاء*، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- سیوری، مقدادبن عبدالله، ۱۳۸۴ق، *کنز‌العرفان فی فقه القرآن*، طهران، المكتبة المرتضویه.
- صاحب‌بن عباد، اسماعیل، ۱۴۱۴ق، *المحیط فی اللغة*، بیروت، عالم‌الکتاب.
- غفوری‌نژاد، محمود و مرضیه رسولخانی شهنائی، ۱۳۸۸، «مقایسه تطبیقی مجازات در متون یهود و اسلام (در سه جرم: قتل، زنا، سرقت)»، *فقه و تاریخ تمدن*، سال ششم، ش ۲۲، ص ۱۴۴-۱۵۲.
- فتحی، حجت‌الله، ۱۳۹۳، *شرح مبسوط قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ (حدود)*، قم، مؤسسه دائرةالمعارف فقه اسلامی.
- _____، *قانون مجازات اسلامی*، ۱۳۹۶، تهران، قانون یار.
- قرشی، علی‌اکبر، ۱۳۸۱، *قاموس قرآن*، چ نهم، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- کهن، راب، ۱۳۵۰، *گنجینه‌ای از تلمود*، ترجمه امیرفریدون گرگانی، تهران، اساطیر.
- مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۶ق، *ملاذ الأخیار فی فهم تهذیب الأخبار*، قم، کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی.
- محقق حلی، جعفر بن حسن، ۱۴۰۸ق، *شرائع الإسلام فی مسائل الحلال والحرام*، چ دوم، قم، اسماعیلیان.
- مفید، محمدبن محمدبن نعمان، ۱۴۱۳ق، *المقنعه*، قم، کنگره جهانی هزاره شیخ مفید.
- نجفی، محمدحسن، ۱۴۰۴ق، *جواهرالکلام*، تحقیق محمود قوچانی، چ هفتم، بیروت، دار الاحیاء التراث العربی.
- هاکس، مستر، ۱۳۷۷، *قاموس کتاب مقدس*، تهران، اساطیر.